

تحلیل جامعه شناختی تقدیرگرایی و نقش آن در توسعه^۱ (مطالعه موردی شهر ایلام)

اکبر امیدي^۲، میثم موسایی^{۳*}، منصور وثوقی^۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۲۹

DOI: 10.30495/JISDS.2022.67331.11728

چکیده

تقدیرگرایی یعنی نیرویی بیرون از اراده‌ی فرد سرنوشت او را تغییر دهد و یا تعیین کند. این نیرو می‌تواند خواست و مشیت الهی باشد یا یک عامل اجتماعی مثل حکومت. توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی، پیشرفته شدن، قدرتمند شدن و بزرگ شدن است. اینکه افراد تا چه میزان موفقیت یا عدم موفقیت خود را نتیجه‌ی کیفیت عملکرد خود می‌دانند، از مباحثی بود که در این تحقیق بدست آمد. هدف این مقاله ارائه‌ی تحلیلی جامعه شناختی از مقوله‌ی تقدیرگرایی و وضعیت آن در شهر ایلام و همچنین تحلیل نقش این باور در مقوله‌ی توسعه در استان است. روش تحقیق در این پژوهش بر مبنای رویکرد ترکیبی متوالی (کیفی - کمی) و از نوع گراند تئوری یا نظریه بنیانی است. در بخش کیفی تعداد ۲۵ نفر شهروندان شهر ایلام (بالای ۱۵ سال)، در رده‌های شغلی مختلف و از هر دو جنس زن و مرد مشارکت کردند. گردآوری داده‌ها از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته انجام گردید. مراحل کدگذاری داده‌های به دست آمده انجام و اعتباریابی با ارایه مقولات به داوران انجام شد. در بخش کمی حجم نمونه را با استفاده از فرمول کوکران در شهر دویست هزار نفری ایلام با سطح دقت ۷٪ تعداد ۱۹۶ نفر تعیین گردید و داده‌های بدست آمده با یافته‌های روش کیفی تطبیق داده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد دو نوع تقدیرگرایی مذهبی و اجتماعی در بین مردم شهر ایلام رواج دارد. تقدیرگرایی مذهبی در بین افراد مذهبی، میانسال و بالاتر و افراد با تحصیلات کمتر بیشتر رواج دارد و تقدیرگرایی اجتماعی بیشتر در بین افراد جوان در سن اشتغال رواج دارد و از موانع توسعه به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: تقدیرگرایی، توسعه، ارزش‌ها و نگرش‌ها، ایلام

^۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه مقطع دکتری جامعه شناسی با عنوان: تحلیل جامعه شناختی باورهای مساعد و نامساعد توسعه در شهر ایلام است.
^۲ دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

(Email: omidi_akbar@yahoo.com)

^۳ استاد اقتصاد و توسعه دانشگاه تهران، تهران، ایران (استاد راهنما)

(Email: mousaee@ut.ac.ir)

^۴ استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (استاد مشاور)

(Email: vosooghi_mn@yahoo.com)

مقدمه و طرح موضوع

تقدیرگرایی که معادل لاتین آن فاتالیسم^۱ است، اعتقاد و باوری است فرهنگی و گروهی که بنا بر آن فرد تقدیرگرا (فاتالیست)^۲ کلیه امور و همه پدیده‌ها را در حیات اجتماعی خویش به کارکرد نیروها و عوامل ماوراءالطبیعه و متافیزیک نسبت می‌دهد و این نیروها را در همه اوضاع و احوال ناظر بر افعال و کردار خود می‌داند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۵: ۲).

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی، پیشرفته شدن، قدرتمند شدن و بزرگ شدن است. ادبیات توسعه از بعد جنگ جهانی دوم با هدف چگونگی بهبود شرایط کشورهای جهان سوم شکل گرفته است. توسعه در تعاریف کلاسیک جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به همراه دارد. علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد؛ شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و ایستارهای ذهنی عموم مردم جامعه است.

توسعه شامل کاهش فقر، کاهش بیکاری و نابرابری، صنعتی شدن، ارتباطات بهتر و نظامی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی در نظر گرفته می‌شود. توسعه فرایندی است که از مدرنیزاسیون، رشد اقتصادی، تجارت آزاد، شهری سازی، سکولار شدن، فردگرایی و پیشرفت فناوری منشأ گرفته است. توسعه هم دارای مفهوم داروینی به معنای رشد و تکامل ارگانیک و هم دارای مفهومی دورکیمی به معنای افزایش پیچیدگی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن است. توسعه مطلوب تمامی جوامع و یکی از اهداف مهم برای دولت‌ها در کشورهای جهان سوم دستیابی به آن است.

متفکران و اندیشمندان در خصوص الزامات و یا دلایل و موتور محرکه تحول و دستیابی به توسعه نظرات گوناگونی مطرح کرده‌اند. تا قبل از دهه ۱۹۷۰ اکثر اندیشمندان در مباحث توسعه بر ابعاد فنی، تکنولوژیک و زیرساخت‌های مادی جوامع (مدرنیزاسیون) تأکید داشتند اما به تدریج مشخص شد این عوامل به تنهایی منجر به تحول و توسعه نخواهد شد.

تجربه پیشرفت و توسعه در کشورهایی مانند ژاپن، اهمیت مطلق منابع مادی را در فرایند توسعه به چالش کشید و از ۱۹۸۰ به بعد روز به روز بر اهمیت مؤلفه‌های معنوی و فرهنگی توسعه افزوده شد.

پیشرفت و توسعه حاصل یک نگرش خاصی به عالم است و بدون ایجاد این نگرش خاص، پیشرفت و ترقی ممکن نیست و این نگرش خاص، بیانگر لزوم وجود یک «فرهنگ مناسب» برای توسعه است. در نتیجه عامل فرهنگ از جایگاه ویژه‌ای در توسعه برخوردار است (موسایی، ۱۳۷۶: ۳۳).

توسعه باور بنیادی دنیای نوین است... در توسعه، تمامی پیشرفت‌های مدرن در علم، فن‌آوری، دموکراسی، ارزش‌ها، اخلاق و سازمان اجتماعی با طرح بشردوستانه ایجاد دنیایی به مراتب بهتر در می‌آیند. توسعه به معنای بهبودی در مجموعه‌ی شرایط به هم پیوسته‌ی طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است (پیت و ویک، ۱۳۸۴: ۱۵).

توسعه پدیده‌ی پیچیده‌ای است و صرفاً شامل مجموعه‌ی تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیست، بلکه نحوه‌ی ترکیب و درهم‌تنیدگی این‌ها مهم‌تر است و درست به همین خاطر است که گفته می‌شود توسعه یک پروسه‌ی کیفی است که در جامعه ایجاد می‌گردد... در یک نگاه اجمالی می‌توان توسعه را در دو بعد خلاصه کرد. بعد اول شامل امور مادی، زیربنایی و تکنیکی است. این بعد شامل امور عینی و هر گونه امکاناتی است که به نیازهای مادی و اساسی انسان پاسخ می‌دهند؛ اما در بعد دوم، نظرها به سوی اموری است که دیگر صبغه‌ی مادی ندارند، بلکه غیرمادی، ذهنی و تفسیری هستند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۶۴). این همان موضوعی است که در **اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری** مورد توجه و تأکید ماکس وبر قرار گرفته است و تأکید ما در این پژوهش نیز بر تحلیل همین بعد از توسعه و مؤلفه‌های فرهنگی آن می‌باشد.

^۱ fatalism

^۲ fatalist

بنابراین مفهوم توسعه شامل دو مقوله مهم و کلیدی است. این دو مقوله عبارتند از: **مدرنیزاسیون و مدرنیته**. در حالی که مدرنیزاسیون بیشتر ناظر بر ابعاد مادی، ابزاری و تکنولوژیکی توسعه است، اما در مدرنیته بیشتر این ابعاد ذهنی و نگرشی افراد جامعه است که مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر در مدرنیته فرایند تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و گرایش آنها در فاصله گرفتن از سنت‌های قدیمی جامعه است. در مدرنیزاسیون یا نوسازی تأکید بر مفاهیمی چون تحولات تکنولوژیکی، فعالیت‌های عمرانی و استفاده از ابزار و تجهیزات جدید و پیشرفته است. اما در مدرنیته یا نوگرایی توسعه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و با تأکید بر عقلانیت و اقتباس ارزشهای نوین متناسب با توسعه مد نظر است.

ارزش‌ها به عنوان یکی از اجزاء فرهنگ، پیش‌فرض‌های ناآگاهانه و ذهنی در باب اینکه چه چیزی درست است به شمار می‌آیند. از این منظر ارزش‌ها خود را در شکل باورها و اعتقادات گروهی متجلی می‌سازند. از این رو در درون هر فرهنگی، اعضاء دارای باورها، اعتقادات و نگرش‌های مشترکی اند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۵: ۳).

ویژگی مهم آدمیان این است که راجع به خود و جهان پیرامون باورهایی دارند و در شرایط خاص این باورها را تغییر می‌دهند. به عبارت دیگر از میان موجودات زنده تنها آدمی این توانایی را دارد که باورهایی را بسازد یا آنها را تغییر دهد. این بعد از توانایی آدمی که به قوای معرفتی او مربوط می‌شود را گاهی «فرایند باورسازی»^۱ و فرایند «تنظیم باور»^۲ نامیده شده است (قائمی نیا، ۱۳۸۳). از سالهای پس از جنگ جهانی دوم به بعد بحث باورها و ارزش‌ها و تأثیر آنها بر مقوله توسعه و تحلیل دلایل عقب افتادگی کشورها بر اساس مؤلفه‌های ذهنی و فرهنگی، مورد توجه محققان قرار گرفته و تحقیقات زیادی در این زمینه انجام شده است. در مکاتب جامعه‌شناسی بویژه در مکتب کارکردگرایی، پارادایم واقعیت اجتماعی به تقدیرگرایی به عنوان یک باور گروهی و عمدتاً به مثابه واقعیتی اجتماعی نگریسته شده است که فرد را در رفتار اجتماعی هدایت می‌کند و به او در زندگی جمعی جهت، روش و منش می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۵: ۳).

هدف این تحقیق بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی باور تقدیرگرایی و نقش آن در توسعه در شهر ایلام است. رفتار اجتماعی، اقتصادی هر انسانی تا حدود زیادی از افکار، اعتقادات و ارزش‌های مورد نظر او سرچشمه می‌گیرد. بنابراین ارزش‌ها و نگرش‌ها، باورها، جهان‌بینی و اعتقادات مذهبی افراد، در رفتار اقتصادی و چگونگی تصمیم‌گیری آن‌ها مؤثر است. برای مثال هر کدام از ما می‌توانیم به اعمال و فعالیت‌هایی که در یک روز انجام می‌دهیم از این منظر نگاه کنیم، این فعالیت‌ها را محاسبه و بررسی کنیم و ببینیم چه تعداد از آنها بر اساس باورهای فرهنگی ما انجام پذیرفته و چه تعداد از آنها بر اساس محاسبات و استدلال انجام پذیرفته است. در صورت انجام این کار ملاحظه خواهیم کرد که فقط تعداد انگشت شماری از مجموعه‌ی رفتارهای ما بر اساس محاسبات و استدلال و قسمت عمده‌ی آنها بر اساس باورهای فرهنگی صورت می‌گیرد. ضمناً بر این امر واقفیم که حتی همان تعداد محدود رفتاری که بر پایه‌ی محاسبه و استدلال انجام می‌شود، نیز خود متأثر از باورهای فرهنگی است (عظیمی آرانی، ۱۳۹۱: ۱۸۲ به نقل از وثوقی و دیگران).

استان ایلام یکی از استان‌های توسعه نیافته کشور است که مهمترین ویژگی آن مرحله گذار از فرهنگ ایلی و سنتی و قرار گرفتن در معرض اشاعه فرهنگی از فرهنگ‌های مختلف جهانی و کشور است. از طرف دیگر بسیاری از آداب، رسوم، سنن و باورهای فرهنگی مردم هر منطقه‌ای ریشه در جغرافیایی خاص همان منطقه دارند. هدف این مقاله ارائه‌ی تحلیلی جامعه‌شناختی از مقوله‌ی تقدیرگرایی و وضعیت آن در شهر ایلام و همچنین تحلیل نقش این باور در مقوله‌ی توسعه در استان است.

اهمیت و ضرورت

فرهنگ ایرانی، هم به نگرش علمی اعتقاد دارد و هم به قضا و قدر معتقد است و هم به ریاضت و ارج نهادن به تلاش برای تأمین

^۱ belief formation process

^۲ belief regulation process

زندگی بهتر اعتقاد دارد. اکثر فرهنگ‌های دیگر هم همین خصلت‌ها را دارند. در این وضعیت، هنر برنامه‌ریز توسعه و هدایت کننده‌ی جامعه این است که در فرهنگ جامعه‌ی خود جستجو کند و اجزای مناسب را بیابد و آنها را تعریف و تقویت نماید و اجزای نامناسب را به تدریج تضعیف کند. کشورهای دیگر هم از همین طریق توسعه پیدا کرده‌اند (عظیمی آرانی، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

استان ایلام به عنوان یکی از استان‌های کمتر توسعه یافته و دورافتاده کشور، هم بسیاری از پتانسیل‌ها و منابع ثروت و هم بسیاری از آسیب‌های موجود در کل کشور را به صورت مضاعف، در درون خود به همراه دارد.

شکل‌های متنوع و متفاوت فرهنگی، زمینه‌های متفاوتی برای پذیرش توسعه و تغییر را دنبال می‌کنند. از این رو شناخت نگرش‌ها، سنت‌ها، عوامل فرهنگی و جامعه شناختی که در فرایند توسعه می‌توانند اثرگذار باشند اجتناب ناپذیر است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۱۹۳).

استان ایلام از یک طرف دارای منابع عظیم و سرشار نفت و گاز کشور است؛ دارای بهترین زمین‌های کشاورزی و منابع آبی رودخانه‌ای است، مهمترین و بهترین گذرگاه مرزی با کشور همسایه یعنی عراق را دارد و دروازه عتبات عالیات است، دارای ظرفیت‌های گردشگری و آثار متعدد باستانی است و همچنین دارای قشر گسترده‌ای از نیروی انسانی جوان، تحصیل کرده و متخصص کشور است. اما از طرف دیگر؛ خرده فرهنگ‌های زندگی سنتی و تفکر ایلپاتی کماکان بر آن حاکم است. بخش صنعتی آن بسیار ضعیف و مهم‌ترین بخش کارآفرین آن استخدام در ادارات دولتی است به طوری که نسبت کارمندان ادارات دولتی به کل جمعیت در استان، دو برابر میانگین کشوری است. میانگین درآمد سرانه مردم پایین و نرخ بیکاری بالاست.

بنابراین این استان همچون سایر استان‌های کشور نیازمند تغییر و تحولاتی است که در نتیجه آنها بتواند بر مشکلات پیش‌رو فایز آمده و وضعیت زندگی و معیشت مردمان آن بهبود یابد. به تعبیر دیگر؛ این استان نیز نیازمند توسعه یافتگی و پیشرفت است اما بدیهی است توسعه و تحول یک شبه و به خودی خود اتفاق نخواهد افتاد.

توسعه یک فرایند بلند مدت و چندبعدی است که به اعتقاد بیشتر جامعه شناسان یکی از مهمترین مؤلفه‌ها و پیش شرط‌های آن تغییر در ارزش‌ها، نگرش‌ها و ایستارهای ذهنی مردم جامعه است و باورها نهادینه‌ترین داشته‌های ذهنی فرد به شمار می‌آیند. بر این اساس مطالعه‌ی مقوله‌ی تقدیرگرایی و ارتباط آن با مفهوم توسعه، ضرورت و اهمیت مضاعف دارد.

پیشینه‌ی تجربی تحقیق

- «بررسی گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه در شهر کرمان» تحقیقی است که توسط محمد حسن مقدس جعفری و بتول خواجویی زاده انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که گرایش افراد به باورها (تقدیرگرایی، دنیاگرایی، آینده نگری، علم گرایی، خاص گرایی و برنامه‌ریزی) در حد متوسط است و عوامل سن، تحصیلات، شغل، پایگاه اقتصادی، اجتماعی و مشارکت با گرایش افراد به باورهای فرهنگی‌ای که مانع توسعه به شمار می‌رود، مرتبط است (مقدس جعفری و خواجویی زاده؛ ۱۳۸۸: ۷۷).
- «تقدیرگرایی و عوامل مؤثر بر آن؛ سنجش میزان تقدیرگرایی در زنان بالغ شهرهای مراکز استان‌ها» عنوان تحقیقی است که به روش پیمایشی توسط دکتر علیرضا محسنی تبریزی و همکاران در سال ۱۳۸۵ انجام شده است. بر اساس نتایج این تحقیق بین میزان تقدیرگرایی و احساس کارآمدی سیاسی، همبستگی معکوس وجود دارد. همچنین میزان تقدیرگرایی زنان بر حسب سطح تحصیلات، منشاء جغرافیایی و وضعیت فعالیت اقتصادی تغییر می‌کند اما میزان تقدیرگرایی بر حسب گروه‌های سنی و وضعیت تأهل آنه تغییر نمی‌کند (محسنی تبریزی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱).
- بررسی نظریه نوسازی (مطالعه‌ی موردی تقدیرگرایی فرهنگی در ایران) عنوان مطالعه‌ای است که توسط تقی آزاد ارمکی و در شهر تهران انجام شده و در تابستان و پاییز ۱۳۷۶ در فصلنامه فرهنگ علوم اجتماعی به چاپ رسیده است. بر اساس

نتایج این تحقیق مردم تهران به طور نسبی به تقدیر اعتقاد دارند اما نقش تدبیر و اراده را نیز در تعیین سرنوشت خود انکار نمی‌کنند و تقدیرگرایی و تدبیرگرایی در هم ممزوج شده‌اند (آزاد ارمکی: ۱۳۷۶: ۲۰۶).

در تحقیقات انجام شده در تهران، کرمان و مراکز سایر استان‌ها؛ هدف محقق یا بررسی عوامل مؤثر بر تقدیرگرایی بوده و یا بررسی میزان تقدیرگرایی در بین جامعه‌ی مورد مطالعه، اما در تحقیق حاضر هدف تحلیل جامعه‌شناختی مقوله‌ی تقدیرگرایی در شهر ایلام با توجه به مقوله‌ی توسعه در ایلام است. در این تحقیق اولین هدف این است که آیا تقدیرگرایی در جامعه مورد مطالعه وجود دارد؟ و اگر وجود دارد مبنای آن چیست؟ چگونه شکل گرفته است و الان مقوله تقدیرگرایی به چه شکلی است؟ شرایط زمینه‌ای، شرایط علی و شرایط مداخله‌گر در پدیده تقدیرگرایی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

در تحقیقات خارجی نیز بیشتر توجه محققان به رابطه بین سطح سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی با تقدیرگرایی و همچنین به رابطه بین طبقات اجتماعی و تقدیرگرایی معطوف بوده است. از نظر گادوین و آلن گروه‌های خاص مانند کارگران بدون مهارت و بازنشسته‌ها، قویترین گرایش را به تقدیرگرایی داشته‌اند (Goodwin & Allen, 2000). روس و همکاران در تحقیقی که در مکزیک انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیدند که افراد متعلق به طبقات پایین‌تر جامعه تمایل بیشتری به تقدیرگرایی دارند (Roos & et al, 1983). یکی دیگر از مفاهیم مورد توجه محققان، بحث بازتولید تقدیرگرایی در جامعه است. مفهوم بازتولید تقدیرگرایی برگرفته از نظریه اسکار لوئیس مردم شناس آمریکایی با عنوان «فرهنگ فقر» است. از نظر لوئیس فرهنگ فقر مجموعه‌ای به هم پیوسته از ویژگی‌های خانوادگی، رفتاری، نگرشی و شخصیتی است که فقرا در طول زندگی خویش در شرایط نامساعد مالی به آن عادت کرده‌اند و با آن سازگار شده‌اند که حاصل این مجموعه، ارزش‌های فرهنگی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۸۵). مفهوم بازتولید اجتماعی تقدیرگرایی میان طبقات اجتماعی فقیر و پایین در پیوند با جریان جامعه‌پذیری و اقتدار خانواده تبیین شدنی است. لوئیس معتقد است تقدیرگرایی به ساخت مقتدرانه خانواده بستگی دارد و سبب می‌شود جوان‌ترها به صورت افرادی بی‌اراده و مطیع تربیت شوند (افروغ ۱۳۷۶)، به نقل از مؤذنی و بهشتی دوست، ۱۳۹۶: ۷۳).

پیشینه نظری

مطالعات انجام شده عمدتاً متمرکز بر جوامع غیر غربی، غیر صنعتی و سنتی است. جوامعی که در آنها زمینه‌های عینی فائالیسم از ابعاد فرهنگی و دید دنیایی وجود دارد. به عنوان مثال مطالعات تکس ۱۹۶۳، لوئیس ۱۹۶۰، فاستر ۱۹۶۵، راجرز ۱۹۶۹، لرنر ۱۹۵۸، جاگار ۱۹۹۲، گلیگان ۱۹۹۹، فلورس اورتیز ۱۹۹۴، پک و گوررو ۱۹۹۷، بیرد، کوهن، گونزالس، پارادا و کورتز ۱۹۹۹، میلر ۲۰۰۲، چهی‌بر ۲۰۰۵ و دیگران عمدتاً در جوامع سنتی، در حال توسعه و در حال گذار آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین صورت گرفته است، به طوری که در اغلب این مطالعات تقدیرگرایی به عنوان یکی از عناصر خرده فرهنگ دهقانی، خاص جوامع سنتی در حال گذار در نظر آمده و به عنوان یکی از موانع فرهنگی عمده در راه توسعه‌ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مطرح شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۵: ۴).

اغلب محققین غربی بر این اعتقادند که کم و بیش در جوامع سنتی و در نزد گروه‌های اجتماعی فرودست، کم‌سواد و طبقات پایین با مشاغل کشاورزی و دامداری و نیز در بسیاری از مناطق روستایی و عشایری جوامع در حال توسعه و همچنین در نزد برخی از گروه‌های مذهبی فالانژ و قشری و نیز در بین زنان متعلق به طبقات و اقشار فرودست، کم‌درآمد، کم‌سواد و بی‌سواد جامعه، اعتقاد به تقدیر و سرنوشت به مثابه نوعی باور فرهنگی شیوع و رواج دارد. به زعم این صاحب‌نظران در این جوامع، افراد درک

نازلی از توانایی خود نسبت به کنترل آینده‌ی خود دارند، به طوری که آنان کلیه‌ی امور و پدیده‌ها را در حیات اجتماعی خویش به کارکرد نیروها و عوامل ماوراءالطبیعه نسبت می‌دهند (همان: ۹).

نظریه نوسازی

از بیستم ژانویه ۱۹۴۵ که هنری ترومن رییس جمهور ایالات متحده برای بازسازی کشورهای آسیب دیده از جنگ؛ طرح مارشال را مطرح کرد، اندیشه توسعه و نوسازی شکل گرفت. مبانی نوسازی مبتنی بر تکامل‌گرایی و کارکردگرایی، اروپایی شدن، پیشرفت مرحله به مرحله و تدریجی، تک خطی و غیر قابل برگشت است.

نوسازی دیدگاهی است که در پی تبیین موانع درونی و داخلی توسعه در کشورهای جهان سوم می‌باشد. به تعبیری این نظریه معتقد است که باید ساختارهای درونی و داخلی جوامع را آماده و مستعد پذیرش پوشش‌های نوسازی کنیم. طرفداران این دیدگاه عناصری چون خردورزی و تعقل‌گرایی، نظم داشتن، مشارکت، تقدیرگرا نبودن، محاسبه‌گر بودن و عناصر دیگر را به عنوان خمیرمایه‌های اولیه جریان نوسازی برمی‌شمارند (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

مقاومت در برابر نوآوری‌ها و بدبینی نسبت به آن، بیشتر به دلیل وجود گرایش تقدیرگرایانه در جوامع توسعه نیافته تلقی شده است. به عبارت دیگر در متون مربوط به توسعه یافتگی، متفکران نظریه‌ی نوسازی، دو جامعه‌ی سنتی و نو را دو قطب انگاشته‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۱۹۳).

با توجه به اینکه یکی از مباحث اصلی مطرح در توسعه، تقابل تقدیرگرایی و تدبیرگرایی است، از تمایل طرفداران نظریه‌ی نوسازی چنین برمی‌آید که تقدیرگرایی یا سرنوشت‌گرایی عنصر مسلط بر فرهنگ جوامع غیر پیشرفته بوده است در حالی که تدبیرگرایی ویژگی اصلی فرهنگ‌های جدید است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶ به نقل از الیاسی).

ماکس وبر

جامعه‌شناسی وبری به ظهور نوعی فرهنگ، به ویژه شیوه‌ی تفکری به نام «عقل‌گرایی» پرداخت تا تغییر تدریجی قلمرو نوین در اروپا را تبیین کند. «کارکردگرایی ساختاری»، طبیعت‌گرایی را با عقل‌گرایی به عنوان اساس فلسفه نظریه‌ی تکاملی نوسازی در هم آمیخت که تمامی ابعاد فعالیت اجتماعی را در بر می‌گرفت (پیت و ویک، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

وبر در تحلیل سبب پیدایش سرمایه‌داری به تغییر نگرش افراد نسبت به عناصری چون خدا، آخرت، کار، سرمایه، زمان و ... توجه نموده است. از نظر وبر با تحول در تفکر دینی مسیحیت که به پیدایش کالونیسم انجامید، تلقی جدیدی از کار و آخرت حاصل شد و بر اثر آن توسعه‌ی اقتصادی تحقق یافت. او هم از دو جامعه‌ی سنتی و مدرن یاد نموده است. جامعه‌ی سنتی از نظر او مبتنی بر سنت‌گرایی و تقدیرگرایی است (وبر ۱۳۶۴، به نقل از آزاد ارمکی ۱۳۷۶: ۱۹۳).

عقل‌گرایی^۱: از توانایی انسان‌ها جهت کنترل دنیا از طریق فکر، منطق و محاسبه (عقل‌گرایی علمی - تکنولوژیکی) تجلیل می‌کند، اما در عین حال مستلزم نظام‌مند کردن الگوهای معنا و اتخاذ یک شیوه‌ی ثابت و یک‌پارچه در قبال این الگوها (عقل‌گرایی اخلاقی - متافیزیکی) و دستیابی به شیوه‌ی روش‌مند زندگی مبتنی بر بازمینی منطقی است (عقل‌گرایی عملی) (همان: ۱۰۴). نشر اندیشه‌های وبر در رابطه با عقل‌گرایی در جهان غرب، مبنایی فراهم نمود برای نگاه علمی و عقلانی به دنیا که بر اساس آن هر پدیده‌ای معلول علتی مشخص است که انسان می‌تواند با بررسی علمی به تبیین آن بپردازد و این شروعی بود برای زدودن خرافات و توهم از اذهان مردمان جوامع غربی و سپس شکل‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌هایی که بستر ساز توسعه در جامعه بودند.

^۱ Rationalism

تأکید بر عقل‌گرایی در نظریه اجتماعی ناشی از آثار ماکس وبر، اقتصاددان و جامعه‌شناس شهیر آلمانی بود. ... نظریه‌ی او بر اساس جامعه‌شناسی تطبیقی مذاهب بود. دیدگاه وبر این بود که جوامع بشری اولیه به جهان‌بینی سحرآمیز اعتقاد داشتند که در آن قدرت‌هایی (ارواح، شیاطین، خدایان) پشت حوادث طبیعی بودند که به عنوان کل، معنایی ذاتی داشتند (دنیا به مثابه یک باغ دل‌ربا و افسون‌گر). مردم از طریق جادو، پرستش و تابوها با خدایان ارتباط برقرار می‌کردند. جادو به جای رفتار، سرنوشت فرد را تعیین می‌کرد (همان: ۱۰۵). این تصویری بود که وبر از جوامع بشری اولیه ارایه داد و بدیهی است در چنان محیطی نشانه‌های امیدوارکننده‌ای از توسعه و پیشرفت دیده نمی‌شود. اما آیا به راستی جامعه کنونی ما از آنچه وبر برای جوامع اولیه به تصویر کشیده است چقدر فاصله گرفته است؟ آیا کماکان تقدیرگرایی در بین افراد جامعه ما حاکم است؟

کالوینیسیم: وبر در سنت یهودی - مسیحی تأکید خاصی بر منطق توسعه می‌کرد، به ویژه مسیری که [از] کاتولیسم قرون وسطی آغاز و با گذر از لوتریانیسم به کالوینیسیم ختم می‌شد. ... وبر معتقد بود که رفتار کالوینستی به جای این که مشخصه‌اش تسلیم منفعل در مقابل سرنوشت باشد، با میل شدید و کسب اطمینان از این موضوع شکل می‌گیرد که حکم غیر قابل شناخت بودن خداوند به نفع فرد است، شخص در میان برگزیدگان است و بهشت برای قدیسان است. ... کالوینی‌ها از طریق فعالیت تجاری بی‌وقفه و نظام‌مند از نظر اخلاق، خود را ملزم به حفظ بهره‌وری در یک سری از فعالیت‌ها می‌دانستند. آن‌ها در حین تلاش برای حداکثر سود حاصل از دارایی‌ها، از لذت آنی ثمرات فعالیت تجاری خودداری می‌کردند. بنابراین، انباشت سرمایه به واسطه‌ی سرمایه‌گذاری مداوم و سرکوب احساسات کاملاً انسانی، همبستگی نسبت به دیگران صورت می‌گرفت. وبر معتقد بود که در کالوینیسیم، جهان به عنوان واقعیتهای جدا از خدا در نظر گرفته می‌شود و به همین خاطر؛ از راز و رمز، اهمیت‌نمادین، شواهد سحرآمیز، حکمت الهی و راه‌های رسیدن به خواست و اراده‌ی خدا محروم است. در عوض آن‌هایی که به عنوان اعضای برگزیدگان یعنی (کسانی که معتقد بودند رحمت جاودانی شامل حالشان خواهد شد) عمل می‌کردند؛ جهان را به عنوان مجموعه‌ای از ابزارهای مقاوم در نظر می‌گرفتند که توانایی‌های مدیریتی و نظم‌دهی آن‌ها را می‌آزمایند. آموزه‌ی قضا و قدر به خاطر علاقه‌ی شدید به مقام روحانی انسان، احساس دقیق جدایی از دیگران را به وجود می‌آورد. (پیت و ویک، ۱۳۸۴: ۱۰۵ - ۱۰۶).

اورت راجرز

راجرز به ده ویژگی از خرده فرهنگ دهقانی اشاره کرده است و آن‌ها را ویژگی فرهنگ سنتی می‌داند که بر روند توسعه تأثیر منفی دارند: (۱) عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی. (۲) فقدان نوآوری. (۳) تقدیرگرایی. (۴) پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات. (۵) عدم توانایی در چشم پوشی از منافع آنی به خاطر کسب منافع آتی. (۶) کم اهمیت دادن به عامل زمان. (۷) خانواده گرایی. (۸) وابستگی به قدرت دولت. (۹) محل گرایی. (۱۰) فقدان همدلی. (از کیا، ۱۳۶۴) راجرز تقدیرگرایی را وضعیت فکری تعریف می‌کند که در آن فرد، درک نازلی از توانایی خود نسبت به کنترل آینده‌ی خود دارد. راجرز تقدیرگرایی را یکی از ویژگی‌های خرده فرهنگ دهقانی مطرح می‌کند که مانع تغییر و نوسازی در این جوامع شده است. به نظر راجرز، دهقانان در کنترل حوادث آینده وجه نظرهایی مانند بی‌ارادگی، بدگمانی، تسلیم و بردباری، نرمش و گریز دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۴: ۸).

اینکلس

الکس اینکلس به کشف الگوی ثابتی از «انسان‌های متجدد» در میان کشورهای مختلف نایل آمد. به عبارت دیگر، معیاری که برای تعریف انسان‌های متجدد در یک کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌تواند برای تعریف انسان‌های متجدد در سایر کشورها نیز استفاده شود. (ی. سو، ۱۳۸۸: ۴۹).

اینکلس در تحلیل جامعه‌ی مدرن معتقد است ضمن اینکه کلیت جامعه از جهت ساختار پویا و نو می‌باشد، عناصر فرهنگی و انسانی آن نیز پویا و نو می‌باشد، عناصر فرهنگی و انسانی آن نیز مدرن شده است. برای انسان در این فرهنگ و جامعه، زمان با اهمیت است و همه‌ی امور روبه سوی آینده دارد. در حالی که در جامعه‌ی سنتی، انسان به گذشته می‌اندیشد و زمان حال را نیز بر اساس گذشته تعبیر و تفسیر می‌کند و بیشتر سنت‌گرا است (اینکلس، ۱۹۶۶ به نقل از ی، سو، ۱۳۸۸: ۴۹).

آیین زروان

برخی از محققان و پژوهشگران ریشه‌های تاریخی تقدیرگرایی را در باورها و اعتقادات دینی جستجو کرده‌اند. زینر (۱۹۷۲) در اثر معروف خود به نام «زروان: یک معمای زرتشتی» به دنبال ریشه‌های تاریخی تقدیرگرایی، کوشیده است که میان اعتقادات و تعلیمات آیین زروان و فاتالیسم رابطه برقرار سازد. به زعم زینر نگرش آیین زروان چون نگرش برخی از آیین‌ها، نگرشی لاهوتی به جهان است که در چارچوب آن فرد به نوعی خاص به پیرامون خود می‌نگرد. طبق این نگرش، موجودات جهان مادی توسط نیروهای ملکوتی اداره می‌شوند. نوع رابطه‌ی انسان با لاهوت و حتی نوع رابطه‌ی انسان با طبیعت را مذاهب به پیروان خود می‌آموزند (Zaehner, 1972: 63).

آیین زروان یکی از آیین‌های کهن ایرانی است که تأثیر زیادی در باور و اندیشه‌ی ایرانیان داشته است. ... زروان پرستی بر پایه‌ی اعتقاد به نیروی غیر قابل تغییر سرنوشت استوار است. بر پایه‌ی این اعتقاد همه‌ی موجودات به راهی می‌روند که از پیش مقدر شده است. چنین اعتقادی در بین مردمانی به وجود می‌آید که گرفتار ظلم و ستم یکدیگر یا سختی و بدبختی محیط پیرامون باشند. ... تأملی در تعالیم و اصول اعتقادی آیین زروان آشکار می‌سازد که زروانی‌ها رویدادهای زندگی را ناشی از تجاوز و تبعیض نمی‌دانند و بر این باورند که همه‌ی وقایع خواسته نیرویی فراسوی خوبی و بدی و مهر و کینه‌توزی است. توانگر توانگر است چون مشیت زروان چنین بوده و ناتوان، ناتوان است زیرا بخت این گونه مقدر کرده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۵: ۸).

با بررسی مطالب مطرح شده در نظریات مربوط به تقدیرگرایی نتیجه می‌گیریم که نظریات کسانی چون وبر و راجرز بیشتر به تقدیرگرایی مذهبی تأکید دارند و در مقابل کسانی چون کارسیتز به تحلیل تقدیرگرایی اجتماعی پرداخته‌اند. بر این اساس به تحلیل مقوله‌ی تقدیرگرایی در شهر ایلام و نقش آن در توسعه خواهیم پرداخت.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش بر مبنای رویکرد ترکیبی از نوع متوالی (کیفی - کمی) است. روش کیفی این مطالعه از نوع گراندد تئوری یا نظریه بنیانی است.

روش نظریه بنیانی معمولاً برای پژوهش درباره موضوعاتی به کار می‌رود که قبلاً مطالعه چندانی در مورد آنها انجام نشده و نیاز به بررسی و فهم عمیق تر آنها وجود دارد. در این مطالعه نیز با توجه به اینکه نیاز به بررسی عمیق تر وجود دارد، ضرورت انجام مطالعه درباره موضوع فوق با استفاده از این روش بیشتر احساس می‌شود. بر این اساس تحلیل جامعه شناختی توسعه و تقدیرگرایی به عنوان موضوع تحقیق انتخاب گردید. اگرچه از نظر از کیا در روش بنیانی از پژوهشگر انتظار می‌رود پژوهش را بدون هیچ گونه ایده‌ی ثابتی درباره‌ی ماهیت موضوع مورد بررسی انجام دهد و تحت تأثیر نظریه‌های پیشین یا سایر پژوهش‌های مربوط به این حوزه قرار نگیرد (جزوه کلاسی استاد)، با این وجود ما در روش کیفی ابتدا ادبیات نظری تحقیق را مرور خواهیم کرد. اعتباریابی را با ارایه مقولات به داوران انجام داده و با توجه به اینکه رویکرد اصلی در این روش کیفی می‌باشد به جای واژه نمونه از واژه مشارکت‌کننده استفاده خواهیم کرد.

تعداد ۲۵ نفر شهروندان شهر ایلام از تمامی اقشار و در گروه‌های سنی مختلف (بالای ۱۵ سال)، در رده‌های شغلی کارمند، بازاری، بیکار، بازنشسته، دانشجوی، اساتید دانشگاه، کارگر و فعالان عرصه فرهنگ و هنر جامعه و از هر دو جنس زن و مرد مشارکت کردند. گردآوری داده‌ها از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته انجام گردید. داده‌های به دست آمده مورد بررسی قرار گرفته شد و مراحل کدگذاری آنها انجام شد. در مرحله کدگذاری باز تعداد ۳۲ گویه مورد شناسایی و تعیین گردید که از آنها در مرحله کدگذاری محوری باور به مقوله «تقدیرگرایی» استنباط گردید. پس از تحلیل و بررسی نهایی داده‌های تحقیق و در مرحله روایت داستان و ترسیم مدل پارامتری آن؛ تحلیل و شناخت پدیده، شرایط علی، زمینه‌ها، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مورد بررسی قرار گرفته و تدوین گردید. در تحلیل داده‌ها از یافته‌های تحقیق و همچنین نظر اساتید دانشگاهی استان استفاده شده است.

در روش کمی این تحقیق نیز هدف مقایسه داده‌های بدست آمده از روش کیفی با جامعه مورد مطالعه است. حجم نمونه را با استفاده از فرمول کوکران در شهر دویست هزار نفری ایلام با سطح دقت ۷٪ تعداد ۱۹۶ نفر تعیین گردید. در مرحله بعد محقق بر اساس تئوری مورد نظر و همچنین با توجه به فرضیات و سوالات اساسی تحقیق؛ نسبت به تدوین پرسشنامه به منظور گردآوری داده‌های لازم اقدام شد. با استفاده از داده‌های بدست آمده به تحلیل و تفسیر نتایج به دست آمده از روش کمی با توجه به شرایط جامعه آماری و نظریه بنیانی بدست آمده در روش کیفی و ارایه نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

یافته‌های تحقیق

اینکه افراد جامعه تا چه میزان برای کسب موفقیت خود، تلاش می‌کنند و از همه مهمتر اینکه تا چه میزان موفقیت یا عدم موفقیت خود را نتیجه‌ی عملکرد خود می‌دانند، از مباحثی بود که از مشارکت کنندگان در این تحقیق بدست آمد. در تحلیل خط به خط داده‌ها و در مرحله کدگذاری باز، تعداد ۳۲ گویه مرتبط با موضوع تعیین گردید که از آنها در مرحله کدگذاری محوری، مقوله «باور به اختیار در مقابل باور به تقدیر» به دست آمد. بعضی از گویه‌های تعیین شده در مرحله کدگذاری باز عبارتند از:

جدول ۴-۹: داده‌های مرحله کدگذاری «باور به اختیار در مقابل باور به تقدیر»

ردیف	گویه	مقوله بدست آمده
۱	«موفقیتم نتیجه‌ی تلاش خودم است»	باور به اختیار در مقابل باور به تقدیر
۲	«موفقیت را به تلاش خود نسبت می‌دهند»	
۳	«ناکامی‌ها را به شانس و اقبال نسبت می‌دهند»	
۴	«عدم موفقیت را نتیجه‌ی شانس می‌دانند»	
۵	«هر آدمی دنبال مقصر می‌گردد»	
۶	«همه خود را از اشتباه و تقصیر مبرا می‌دانند»	
۷	«میزان تلاش فرد در موفقیت او اثر دارد»	
۸	«بیشتر افراد وضعیت خود را نتیجه عواملی می‌دانند که در کنترل آنها نبوده است»	
۹	«جسارت بر عهده گرفتن مسئولیت عدم موفقیت کم است»	
۱۰	«ساختار جامعه با من همراه نبود»	
۱۱	«افراد فکر می‌کنند تلاش خود را کرده‌اند»	
۱۲	«اگر کسی موفق شده می‌گویند گنج پیدا کرده است»	
۱۳	«مردم ایلام زیاد تلاش گر نیستند»	
۱۴	«کسی که خودش کوتاهی کرده، می‌گوید شانس من این بوده»	
۱۵	«بستر برای تلاش در کشور ما فراهم نیست»	

ردیف	گویه	مقوله بدست آمده
۱۶	«اینکه در پیشانی شما این را نوشته‌اند؛ خیلی رایج است»	
۱۷	«بر اساس زحمات خودم بوده است»	
۱۸	«وضعیت موجود را به ناچار پذیرفته‌ام»	
۱۹	«هم شانس و هم عملکرد خودم تأثیر داشته است»	
۲۰	«روز اول که به دنیا آمده‌ای این را در پیشانی شما نوشته‌اند»	
۲۱	«توکل بر خدا»	

کدگذاری انتخابی و کدگذاری محوری:

پیدا کردن یک مقوله‌ی هسته‌ای برای پوشش تمامی مفاهیم تا حدودی مشکل است. برای حل این مشکل، مسئله را از دو منظر «خرد و کلان» و یا از منظر «عاملیت و ساختار» مورد بررسی قرار می‌دهیم. می‌دانیم که از نظر عاملیت فرد و ویژگی‌های ذهنی فرد است که در تبیین پدیده‌ها مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد و از نظر ساختاری نیز ویژگی‌های ساختاری کلان حاکم بر جامعه مد نظر است.

اگرچه در بین افراد میانسال و بالاتر که از تحصیلات کمتری برخوردار هستند کماکان **باورهای تقدیرگرایانه‌ی مذهبی** حاکم است، اما افراد جوان و با تحصیلات بیشتر از مرحله‌ی تقدیرگرایی مذهبی فاصله گرفته و به نوعی به تقدیرگرایی اجتماعی بیشتر باور دارند. بر اساس این باور، ساختارهای حاکم بر جامعه **اجازه‌ی ابتکار عمل اقتصادی را از افراد سلب کرده و قدرت ریسک کردن افراد در بازار را پایین آورده** است. لذا بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی دچار ورشکستگی می‌شوند. به نظر می‌رسد این پدیده نیز از پیامدهای اجتناب ناپذیر **دولت و اقتصاد رانتیر** باشد. زیرا یکی از ویژگی‌های اقتصاد رانتیر «رویکرد توزیعی» است. رویکرد توزیعی دولت رانتیر بیشتر افراد را وابسته‌ی قدرت دولت کرده و تمایل عمومی مردم این است که حقوق بگیر و یا مستخدم دولت باشند. حتی آنانکه دارای مشاغل خصوصی و فعال در بازار هستند نیز باز هم نگاه بیشتر آنها به کسب منابع دولتی و یا معامله و تعامل اقتصادی با بنگاه‌های دولتی است. روی آوردن به کارهای دلالتی و واسطه‌گری نیز رایج است زیرا میزان درآمد آن به مراتب بیشتر از مشاغل تولیدی است. در چنین شرایطی افراد اکثراً یا به نحوی از انحاء در شمار حقوق بگیران دولت قرار می‌گیرند و از رویکرد توزیعی دولت بهره‌مند می‌شوند، بدون آنکه منفعت چندانی به جامعه برسانند و یا جذب مشاغل دلالتی و واسطه‌گر می‌شوند.

بنا بر تعریف لوسیانی دولتی که ۴۲٪ یا بیشتر از کل درآمد خود را از رانت خارجی حاصل از صدور یک یا چند ماده خام بدست آورد، دولت رانتیر لقب می‌گیرد. لذا چنین می‌توان عنوان کرد که **رانت** درآمد و در واقع جایزه‌ای است که از مالکیت بر منابع طبیعی ناشی می‌شود. این درآمد بدون تلاش به دست می‌آید و در برابر مفاهیمی چون دستمزد و سود قرار دارد. ویژگی متمایز کننده دولت رانتیر از دیگر دولت‌ها، این است که درآمدهای نفتی آن ارتباط بسیار ناچیزی با فرآیندهای تولید در اقتصاد داخلی دارد. به این معنی که نیروی کار، سرمایه یا فن آوری داخلی در کسب اینگونه درآمد، نقش چندانی ایفا نمی‌کنند (عسگری، ۱۳۸۹).

آمار منابع درآمدی ایران را در چهار مقطع زمانی پیش و پس از انقلاب در سال‌های ۱۳۵۱، ۱۳۶۷، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ مورد بررسی قرار گرفته است. وابستگی دولت‌های ایران به درآمد غیرمالیاتی (عمدتاً نفت) در هر چهار مقطع بیش از ۵۰ درصد است و بالاترین آن با رقم مشابه ۶۳ درصد مربوط به دو مقطع ۱۳۵۱ و ۱۳۸۷ است. در حالی که سهم مالیات بر فروش کالاها و خدمات در بین ۴ گروه کشورها، حداقل ۱۶ درصد است، در مورد ایران هیچ‌گاه از ۸ درصد تجاوز نکرده است (خیرخواهان، ۱۳۹۰). به نظر می‌رسد که تقدیرگرایی اجتماعی بیشتر در جامعه‌ای وجود دارد که توسعه نیافته باشد و زیرساخت‌های توسعه در آن فراهم نیست. در چنین

شرایطی است که تلاش‌ها و زحمات افراد نتیجه بخش نبوده و باور مردم به کار و تلاش برای دستیابی به هدف تضعیف خواهد شد. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که تقدیرگرایی اجتماعی در شهر ایلام بیشتر از تقدیرگرایی مذهبی رایج است.

داده‌های کمی

داده‌های کمی این تحقیق صرفاً یک آمار توصیفی و به منظور سنجش درستی داده‌های کیفی است و لذا آمار استنباطی در آن لحاظ نشده است. لذا در بخش کمی و برای بررسی مقوله تقدیرگرایی دو گویه طراحی شده است. در پاسخ به گویه اول با این عنوان که: «در شرایط کنونی با کار و تلاش بیشتر می‌توانم موفقیت خود را تضمین کنم» تعداد ۱۸,۹ درصد گزینه‌ی خیلی کم، ۲۳ درصد گزینه‌ی کم، ۲۹,۶ درصد گزینه‌ی تا حدودی، ۲۱,۹ درصد گزینه‌ی زیاد و ۵,۶ درصد گزینه‌ی خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند.

در پاسخ به گویه دوم با این عنوان که: «تقدیر و سرنوشت افراد از قبل تعیین شده و قسمت الهی آن را از قبل تعیین کرده است» تعداد ۳۱,۶ درصد گزینه‌ی خیلی کم، ۱۷,۹ درصد گزینه‌ی کم، ۳۲,۷ درصد گزینه‌ی تا حدودی، ۹,۲ درصد گزینه‌ی زیاد و ۸,۷ درصد نیز گزینه‌ی خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند.

تحلیل یافته‌ها

بر اساس داده‌های بدست آمده از مشارکت کنندگان در این تحقیق، مطالب زیر در تحلیل یافته‌ها قابل توجه است:

شرایط علی:

- ۵۰ درصد دلایل عدم موفقیت را از ساختار حاکم بر جامعه می‌دانم؛
- بیشتر افراد عدم موفقیت خود را ناشی از شانس می‌دانند؛
- ساختار جامعه با من همراه نبود؛
- مردم ایلام زیاد تلاشگر نیستند؛
- بستر برای تلاش در کشور ما فراهم نیست.

شرایط مداخله‌گر:

- میزان تحصیلات و آگاهی افراد؛
- رسانه و فضای مجازی؛
- وضعیت نتیجه‌ی ساختار خانواده‌ام است؛
- میزان تلاش فرد در موفقیت او اثر دارد؛
- بیشتر افراد وضعیت خود را نتیجه‌ی عواملی می‌دانند که در کنترل آنها نبوده است.

راهبردها:

- موفقیت‌ها را به نتیجه‌ی تلاش‌های خود منتسب می‌کنند؛
- ناکامی‌ها را نتیجه‌ی شانس و اقبال می‌دانند؛
- موفقیت نتیجه‌ی تلاش خودم است؛

- عدم موفقیت را نتیجه‌ی شانس می‌دانند؛
- هر آدمی دنبال مقصر ناکامی‌های خود می‌گردد؛
- افراد فکر می‌کنند تلاش خود را کرده‌اند؛
- کسی که خودش کوتاهی کرده، می‌گوید شانس این بوده؛
- بیشتر دنبال فرافکنی هستیم؛
- استخاره انداختن رایج است؛
- این تفکر که «تا ببینیم قسمت چه می‌شود» رایج است.

پیامدها:

- همه خود را از اشتباه و تقصیر مبرا می‌دانند؛
- جسارت بر عهده گرفتن مسئولیت عدم موفقیت کم است؛
- اگر تلاش بیشتری می‌کردم، الان وضعیتیم بهتر بود؛
- اینکه در پیشانی شما این نوشته شده؛ خیلی رایج است؛
- وضعیت موجود را به ناچار پذیرفته‌ایم.

به نظر می‌رسد وضعیت تقدیرگرایی در بین مردم شهر ایلام با میزان تحصیلات و سطح آگاهی افراد ارتباط دارد. به گونه‌ای که هرچه میزان آگاهی افراد بالاتر باشد، مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند و وضعیت کنونی خود را نتیجه‌ی عملکرد خود دانسته و آن را ناشی از شانس و اقبال نمی‌دانند. به عنوان مثال یک نفر کارمند پیمانی اداره دولتی با مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد بیان می‌کند: «سرنوشت موقفم نتیجه‌ی زحمات خودم است و شانس و اقبال را رد می‌کنم» و فرد دیگری با مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد ضمن ابراز نارضایتی از وضعیت زندگی خود اینگونه بیان می‌کند: «فکر می‌کنم کمتر تلاش کرده‌ام، اگر بیشتر تلاش می‌کردم، الان وضعیت زندگیم بهتر بود».

اما بطور کلی نظر مشارکت‌کنندگان بر این است که بیشتر مردم ایلام تمایل دارند موفقیت‌ها را نتیجه‌ی تلاش‌ها و زحمات خود بدانند و ناکامی‌ها را نتیجه‌ی شانس و اقبال! این رویکردی است که به میزان زیادی در صحبت‌های مشارکت‌کنندگان مشترک بوده است و بر آن اتفاق نظر دارند که نشان از عدم وجود روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری در بین مردم دارد. به عنوان مثال یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار می‌دارد: «بیشتر مردم عدم موفقیت و ناکامی‌های خود را ناشی از شانس می‌دانند. شهامت و یا جسارت بر عهده گرفتن مسئولیت عدم موفقیت‌ها در بین افراد جامعه بسیار کم است» و یا مشارکت‌کننده‌ای دیگر با داشتن دو مدرک کارشناسی نظر خود را اینگونه بیان می‌کند: «اصولاً هر آدمی، حتی خود من؛ دنبال مقصر می‌گردد و خودش را از اشتباهات و سهل‌انگاری مبرا می‌داند».

به نظر می‌رسد مردم ایلام به تدریج از تقدیرگرایی مذهبی فاصله گرفته‌اند. تقدیرگرایی مذهبی بیشتر خاص افراد مسن و افراد مذهبی متعصب است.

یکی دیگر از مباحث قابل توجه در بحث تقدیرگرایی مذهبی، بحث استخاره انداختن است. به عنوان مثال یک کارمند رسمی دولت با مدرک کارشناسی ارشد نظر خود را اینگونه بیان می‌کند: «من شنیدم که برای پست معاونت با کسی صحبت کرده‌اند و طرف هم قبل از هر کاری رفته استخاره انداخته است! بدون اینکه قبل از آن خودش بررسی کند ببیند آیا شاخص‌ها و ویژگی‌های لازم برای پست معاونت را دارد یا بررسی کند ببیند مسایل و مشکلات موجود در آن حوزه معاونت چیست و او توان حل آنها را

دارد یا نه! اطلاعات، آگاهی و توانمندی لازم برای آن پست را دارد یا نه! که این موضوع هم نشان از باور و اعتقاد افراد به تقدیر و سرنوشت الهی دارد.

مدل پارادایمی باور به تقدیرگرایی در بین مردم شهر ایلام



مشارکت کنندگان در تحقیق موارد دیگری را به عنوان دلایل ناکامی و عدم موفقیت خود بیان کرده اند از جمله ساختار خانواده، فرهنگ حاکم بر خانواده و سختگیری های لحاظ شده به ویژه برای زنان، درگیری های خانوادگی و طایفه ای و ... اما نکته ی قابل توجه که در موارد متعددی به آن اشاره شد بحث پیدا کردن گنج بود و آن هم به این صورت که معمولاً رایج است اگر چنانچه فردی به هر دلیل و یا با تلاش و زحمت و یا با استفاده از هوش و تدبیر خود به هر روش در زندگی شخصی به موفقیت دست پیدا کرده باشد؛ از نظر عده ای از مردم حتماً این فرد گنج پیدا کرده و موفقیت او حاصل تلاش و زحمات خود او نیست.

باور به تقدیرگرایی

بسیاری از نویسندگان ریشه های باورهای تقدیرگرایانه در ایران را به آیین **زروان** ارتباط می دهند که مواردی از آنها در پیشینه نظری این مقاله بیان گردید.

تقدیرگرایی یعنی نیروی بیرون از اراده ی فرد سرنوشت او را تغییر دهد و یا تعیین کند. این نیرو می تواند خواست و مشیت الهی باشد یا یک عامل اجتماعی مثل حکومت. منشاء چنین نگرشی در افکار محققینی که مقوله ی تقدیرگرایی را بررسی کرده اند هویدا است.

به عنوان مثال از نظر راجرز دهقانان سرنوشت را قدرت مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت خود می دانند و از آنجایی که که دهقانان معتقدند ستیز با طبیعت به منظور بالابردن سطح زندگی دشوار است، هر زمان که خود یا آشنایان در زندگی به موفقیتی رسیدند آن را به کارکرد عوامل ماوراءالطبیعه و قوای متافیزیکی نسبت می دهند (Lewis, 1960:77). چنین دیدگاهی تا حدودی دارای منشأ مذهبی است و افراد پدیده ها و اتفاقات اطراف را به خواست و مشیت محتوم الهی ربط می دهد. در مقابل این گروه

هستند کسانی که سرنوشت خود را نه یک جبر الهی و خواست خداوند، بلکه ناشی از جبر محیطی و به نوعی ناشی از ساختارهای حاکم بر جامعه می‌دانند.

در مقابل کسانی چون کارسیتز (۱۹۸۵) وجود روحیه تقدیرگرایی را در میان دهقانان ناشی از اشاعه‌ی احساس ناامنی، یعنی احساسی که بر هیچ چیز و هیچ کس؛ حتی به خود نمی‌توان تکیه کرد می‌داند. از این رو در بدبختی‌ها و موفقیت‌ها تنها سرنوشت مورد سرزنش و یا تمجید قرار می‌گیرد (از کیا، ۱۳۷۰: ۶۰).

بر این اساس می‌توان گفت تقدیرگرایی دو نوع است: یکی مذهبی و دیگری اجتماعی. تقدیرگرایی مذهبی در جایی رواج دارد که باورهای مذهبی قوی بر ذهن افراد حاکم باشد. بر اساس این تفکر هرگونه ناکامی یا عدم موفقیت را نتیجه‌ی شانس و اقبال از پیش تعیین شده دانسته و نقش خواست، اراده و تلاش فرد را نادیده می‌گیرند «می‌گویند در پیشانی شما اینگونه نوشته شده است»، «تقدیر شما اینگونه بوده است». از نظر افراد مذهبی «یک نوع تقدیر قطعی داریم و یک تقدیر معلق؛ اگر در حین رانندگی خوابت ببرد به ته دره سقوط خواهی کرد و این تقدیر معلق است» این همان نوع تقدیر مذهبی است که قابل پیشگیری است و در مقابل نوع دیگر تقدیر حتمی و اجتناب‌ناپذیر است و حتماً شخص چه بخواهد و چه نخواهد به آن سرنوشت مبتلا خواهد شد. مثلاً اینکه «در پیشانی شما نوشته شده که فلانی همسر شما خواهد شد». یا اینکه یکی از تکیه‌کلام‌های اکثر افراد این است که: «تا ببینیم قسمت چه می‌شود» یا «این اتفاق خواست و تقدیر الهی بوده است». به نظر می‌رسد در چنین مواردی، وقتی اتفاق ناخوشایندی می‌افتد و یا فرد در اثر بی‌احتیاطی تصادف کرده و یا حادثه‌ای برایش پیش آمده؛ برای اینکه خود را تخلیه کنند آن را به خواست و تقدیر الهی نسبت می‌دهند و این تقریباً در بین بیشتر مردم عمومیت دارد و خیلی به ندرت مسئولیت اشتباهات خود را می‌پذیرند. بر اساس داده‌های به دست آمده در تحقیق به نظر می‌رسد مردم ایلام به تدریج از تقدیرگرایی مذهبی فاصله گرفته و آنچه بیشتر مشاهده می‌شود تقدیرگرایی از نوع اجتماعی آن است. تقدیرگرایی مذهبی بیشتر خاص افراد مسن و افراد مذهبی متعصب است.

نوع دوم تقدیرگرایی؛ تقدیرگرایی اجتماعی است. در تقدیرگرایی اجتماعی افراد برای رسیدن به موفقیت، جدیت و تلاش لازم را انجام می‌دهند؛ اما از آنجا که زیرساخت و بستر لازم برای توسعه در جامعه وجود ندارد و ساختارها با افراد همراهی لازم را ندارد؛ افراد احساس می‌کنند تلاش و زحمات آنها نتیجه‌ی لازم را نمی‌دهد و در نتیجه دچار نوعی ناامیدی می‌شوند. به عنوان مثال یک نفر کارمند پیمانی و با مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد می‌گوید: «کاملاً از وضعیت خودم راضی نیستم ولی اگر تلاش کرده‌ام و به جایی نرسیده‌ام، ۵۰ درصد آن را از ساختار جامعه می‌دانم. ساختار جامعه اجازه پیشرفت را بهم نداده و دستم را بسته است». یا یک کارگر ساختمانی با تحصیلات دیپلم اینگونه بیان می‌کند: «بیشتر مردم وضعیت خود را نتیجه‌ی عواملی می‌دانند که در کنترل آنها نبوده و بیشتر به ساختار جامعه مربوط است. آنهایی که موفق بوده‌اند، موفقیت آنها بیشتر ناشی از شرایط ساختاری جامعه بوده است» و نمونه‌هایی از این دست بسیار است، آنجا که کارشناس ارشد و کارمند پیمانی دولت می‌گوید: «خیلی تلاش کردم ولی ساختار جامعه با من همراه نبود». دبیر ۵۱ ساله و با مدرک تحصیلی کارشناس ارشد می‌گوید: «ناکامی را به دو دلیل ربط می‌دهند: یکی شانس و دیگری ساختار جامعه».

نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد مردم شهر ایلام و بویژه در بین نسل جوان و با تحصیلات بیشتر، تا حدودی از تقدیرگرایی مذهبی فاصله گرفته و میزان باور به تقدیرگرایی مذهبی کاهش یافته است. اما گرایش به تقدیرگرایی اجتماعی افزایش یافته است. بر اساس مبانی تئوریک و همچنین یافته‌های این تحقیق، ریشه‌ها و دلایل این گرایش را باید در ساختارهای کلی حاکم بر جامعه جست. وقتی ساختار جامعه مبتنی بر اقتصاد رانتی باشد، رویکرد توزیعی دولت از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر آن است. نهادینه شدن رویکرد توزیعی، رویکرد تولیدی را به حاشیه برده و بیشتر افراد جذب مشاغل دلالتی شده و یا تلاش دارند به انحاء مختلف در شمار حقوق

بگیران دولت قرار گیرند. در غیر این صورت افراد فکر می کنند بستر و شرایط اقتصادی برای آنها فراهم نبوده و لذا به نوعی دچار «تقدیرگرایی اجتماعی» می شوند.

در مباحث مربوط به توسعه و تا قبل از دهه ۱۹۷۰ نگاه بیشتر اندیشمندان به ابعاد مادی و مفاهیمی از قبیل رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه بود ولی از آن زمان به بعد مقوله های فرهنگی و ذهنی افراد جامعه مورد توجه و تأکید قرار گرفت. برای دستیابی به توسعه لازم است افکار و ارزش های حاکم بر ذهن افراد در جهت بسترهای مورد نیاز با توسعه باشد و ایستارهای ذهنی افراد به سمت ارزش های نوین و واقع بینانه تمایل پیدا کرده و به تحلیل علمی پدیده ها روی آورد. اما آنچه در شهر ایلام مشاهده می شود وضعیتی متفاوت را به تصویر می کشد. زیرا از یک طرف بیشتر جوانان و افراد تحصیل کرده از تقدیرگرایی مذهبی فاصله گرفته و از طرف دیگر شرایط حاکم بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه، مردم را به نوعی از تقدیرگرایی (اجتماعی) سوق داده است که ریشه های آن را باید در به حاشیه رفتن تولید و پایین بودن نرخ رشد اقتصادی جست. بطور کلی به نظر می رسد که تقدیرگرایی اجتماعی بیشتر در جامعه ای وجود دارد که توسعه نیافته باشد و زیرساخت های توسعه در آن فراهم نیست. در چنین شرایطی است که تلاش ها و زحمات افراد نتیجه بخش نبوده و باور مردم به کار و تلاش برای دستیابی به هدف تضعیف خواهد شد. یافته های این تحقیق حاکی از آن است که تقدیرگرایی اجتماعی در شهر ایلام بیشتر از تقدیرگرایی مذهبی رایج است.

منابع:

- از کیا، مصطفی (۱۳۷۰)، *مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه ی روستایی*، انتشارات اطلاعات، تهران.
- از کیا، مصطفی و غفاری (۱۳۸۴)، *جامعه شناسی توسعه*، انتشارات کیهان، تهران.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، *بررسی نظریه نوسازی (مطالعه موردی تقدیرگرایی فرهنگی در ایران)*، مجله فرهنگ علوم اجتماعی، شماره ۲۲ و ۲۳، تابستان و پاییز ۱۳۷۶، صص ۱۹۱-۲۰۸.
- خیرخواهان، جعفر (۱۳۹۰)، *اشک ها و لبخندهای دولت رانتیر*، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، شماره ۱۰.
- محسنی تبریزی، علیرضا و دیگران (۱۳۸۵)، *تقدیرگرایی و عوامل مؤثر بر آن*، فصلنامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره هفتم، زمستان ۱۳۸۵.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۴)، *سنجش رابطه ی میان احساس کارآمدی سیاسی، بی قدرتی و فATALیسیم در زنان بالغ مناطق شهری کشور*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، *زنان و فرهنگ فقر*، مجله علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۱، صص ۱۶۵-۱۹۷.
- مؤذنی، احمد و علی بهشتی دوست (۱۳۹۶)، *بررسی بازتولید فرهنگی و طبقه اجتماعی با تأکید بر تقدیرگرایی*، مجله جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و هشتم شماره پیاپی ۶۸، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰.
- پیت، ریچارد و ویک الین هارت، (۱۳۸۴)، *نظریه های توسعه*، ترجمه ی مصطفی از کیا و دیگران، نشر لویه، تهران؛
- عسگری، محسن، *تأثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و دموکراسی*، فصلنامه علوم سیاسی، شماره سیزدهم، زمستان ۱۳۸۹.
- عظیمی آرانی، حسین، (۱۳۸۹)، *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*، نشر نی، تهران؛
- قاسمی، یارمحمد، (۱۳۸۷)، *ارزیابی نحوه ی مدیریت توسعه در ایران*، نامه علوم اجتماعی، دوره ی شانزدهم، شماره ۳۳؛
- قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۳)، *چیستی عقلانیت*، مجله ذهن، شماره ۱۷، سال ۱۳۸۳؛

- موسایی، میثم (۱۳۷۶)، اسلام و فرهنگ توسعه اقتصادی، روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران؛
- وثوقی، منصور و دیگران (۱۳۹۱)، بررسی موانع ساختاری در جهت شکل‌گیری و ارتقای توسعه فرهنگی در ایران، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره سوم، تابستان ۹۱.
- مقدس جعفری، محمد حسن و خواجه‌بوی زاده (۱۳۸۸)، گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه، مجله توسعه و سرمایه، سال سوم، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، صص ۷۷-۹۲.
- ی. سو. آلوزین، (۱۳۸۸)، تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه‌ی محمود حبیبی مظاهری، چاپ چهارم، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

- Lewis, D., Topozlian: village in mexico, N. Y. ,Holt, 1960.
- Goodwin, R and Allen, P, democracy and fatalism, journal of Applied social psychology (2000).
- Inkeles, Alex. 1966 The modernization of man, the dynamics of Growth. New York: Basic Books: 52-138.
- Roos, Cathelin, E. Mirowsky, John and William, C. Cockerham (1983), social class, Mexican culture and Fatalism. American journal of community Psychology. 11(4): 383
- Zaehner, G, Zurvan: A Zartostarian Dilemma, new York, 1972.